کاووس آیین‌مگنی

سعید معیدفر

فاطمه دانشور

مرضیه ابراهیمی

زین‌العابدین صفرچی

کودکان؛ قربانی خشونت والدین

ادامه از صفحه ۷

درواقع نوعی ارزشگذاری در خانواده در نظر گرفته می‌شود که زن را به‌عنوان شهروند درجه دو درنظر می‌گیریم و فرزند را هم به‌عنوان ملک یک مرد تلقی می‌کنیم. از طرفی نهادهای حمایتی اجازه ندارند در حریم خصوصی افراد وارد شوند و این در صورتی است که در جاهای دیگر به‌راحتی به حریم افراد وارد می‌شوند و اگر مشکلی برایشان به وجود بیاید سریع به داخل خانه می‌روند. بنابراین بخشی از موضوع نوع نگاهی است که باید تغییر کند. میزان آگاهی خانم‌ها هرروز با افزایش سطح آگاهی جامعه بالاتر می‌رود بنابراین ما بین سطح انتظاراتی که از خانواده بر اساس معیارهای سنتی وجود دارد و شرایطی که تغییر کرده است در یک نوع تعارض قرار می‌گیریم و دو تیپ ذهنی متعارض با هم برخورد می‌کنند.

دانشور: آقای نگینی شما هم در حوزه کودک فعالیت داشتید. در این ماجرا قربانیان کودک بودند. الان که کم‌کم بحث سرمایه‌های اجتماعی پراهمیت و بحث افزایش جمعیت مطرح می‌شود ما باید از سرمایه‌های اجتماعی از جمله کودکان حمایت کنیم، نهادهایی باید خیلی قبل از اینکه کودک قربانی شود کودک را از خانواده بگیرند. ما اگر بخواهیم این کار را در ایران انجام دهیم قطعا محدودیت‌های قانونی خواهیم داشت و تا به حال فکری برای این موضوع نکرده‌ایم.

نگینی: ما به‌شدت نیازمند بازآفرینی نقش‌ها هستیم هرچقدر بخواهیم روی گذشته تاکید کنیم فقط مساله پیچیده‌تر می‌شود. حقیقت این است که نیازمند بازآفرینی نقش‌ها در تمام عرصه‌های اجتماعی، روانی، عاطفی و مدیریتی کشور هستیم، طی پژوهشی که انجام دادیم به این نتیجه رسیدیم که الان در سطح کشور یک نهاد حمایت از کودک وجود ندارد. کشور ما بیشتر یک کشور دولتی است حتی اگر بخواهیم نهادهای دیگری شکل بگیرند حداقل باید یک ما به‌ازای دولتی داشته باشد که روند حمایت تسریع شود.

دانشور: این نهاد باید یک نهاد کاملا قدرتمندی باشد.

نگینی: بله بعضی مواقع باید اجازه ورود دهد. موضوع کودک در ایران موضوع حاکمیتی است و حاکمیت باید اجازه مداخله را به آن نهاد بدهد تا بتواند مداخله و کودک را از صحنه پرخطر خارج کند. ما به نهاد کاملا تخصصی و کاملا متخصص در حوزه کودکان نیاز داریم. بهزیستی همین الان در وظایف خودش مانده است، این نهاد باید تحت‌عنوان نهاد حمایت ملی کودک شکل گیرد و متناسب با آن نهادهای مدنی و ان‌جی‌اوهایی که می‌توانند با آن ارتباط داشته باشند و روی بحث مددکاری اجتماعی تاکید شود بعضی از نهادهای موجود برای خانواده‌ها پذیرفته نیست به‌نظرم نباید فقط از منظر حقوقی به موضوع نگاه کنیم موضوع این است که خانواده‌ها پذیرش ندارند ولی اگر یک نهاد در عرصه ملی به‌عنوان نهاد ملی حمایت از کودک با مدیریت خود رییس‌جمهور و با حضور افرادی از ان‌جی‌اوها و بخش خصوصی و فعالان حمایت از حقوق کودک و چند نفر هم از سیاستگذاران مثلا از آموزش و پرورش، سازمان بهزیستی و وزارت کشور ایجاد کنیم خود خانواده‌ها هم به این سطح از آگاهی می‌رسند در نتیجه می‌شود مثلا از آنها سوال کرد که فرزند شما مدرسه می‌رود یا نمی‌رود. من علاوه بر آسیب‌های پرخطر یکسری از آسیب‌های خاکستری که خیلی زیاد هستند را مورد بررسی قرار دادم، مثلا شما حساب کنید در خانواده‌ای که آسیب پرخطر و خشونت وجود ندارد ولی به هر دلیلی بچه‌ها را مدرسه نمی‌گذارد هیچ‌کسی در کشور نیست از او سوال کند شما بچه‌تان را مدرسه گذاشته‌اید؟ هر چند هم که اگر این کار انجام شود بازهم ضمانت اجرایی وجود ندارد.

دانشور: من می‌گویم بچه زمانی که در رحم مادر است باید وضعیتش رصد شود، یعنی وقتی جنین به وجود می‌آید و مادر برای تشکیل پرونده پزشکی به هر جا که می‌رود تا این پرونده را تشکیل دهد، مددجویان اجتماعی باید در آن فرم‌ها فاکتورهایی داشته باشند مثلا مادر می‌گوید همسرم در زندان است، معتاد است و... . به‌طور کلی مددکار باید وضعیت خانوادگی را باتوجه به اظهارات مادر استخراج کند و بتواند سریع متوجه شود که آیا آن خانم باردار در شرایط درمعرض‌خطر یا شرایط پرخطر قرار دارد و سریع از آنجا مداخلات را شروع کند. در کشور ما که قانون اجازه مداخله را نمی‌دهد مددکار می‌تواند نقش مشاوره را در کنار مادر بازی و مادر را از وضعیتی که در آن زندگی می‌کند آگاه کند و وضعیت رشد جنین، به‌دنیاآمدنش و سایر موارد را این مددکار زیرنظر بگیرد و همراه مادر جلو برود. حمایتی هم که گفته شد در خانواده‌ها برداشته شده است درست است در قدیم خویشاوندان حمایت می‌کردند، الان شاید در دنیا این نقش‌ها را مددکاران اجتماعی بازی می‌کنند و موضوع تخصصی شده است، نقطه مطلوب این است که مددکار متخصص و صاحب اختیار باشد و بتواند مداخله کند. حالا ما به دلایل ضعف قانون در انجام بخشی از این ماجرا ناتوان هستیم و از مجلس هم باید به‌عنوان یک بازیگر بخواهیم که این قوانین را ایفا و کم‌کم قوانین را تصحیح کنند و از کمک و فکر اندیشمندان اجتماعی استفاده شود ولی تا آن زمان ما خلأ داریم. در حال حاضر حداقل کاری که می‌تواند انجام گیرد حضور مددکاران در مراکز بهداشت است تا مادران به آنها مراجعه کنند و رصد انجام شود. مادر می‌تواند دو، سه‌ماه یک‌بار مراجعه کند این می‌تواند بر اساس خطر خانواده هفته‌ای یک‌بار اتفاق بیفتد. همچنین ان‌جی‌اوهای فعال در حوزه آسیب‌ها باید بیشتر و تخصصی‌تر حمایت شوند، جاهایی مثل شهرداری پتانسیل و ظرفیت‌های خوبی دارد و می‌تواند ان‌جی‌اوها را حمایت کند. می‌توان در خانه سلامت ۳۷۴ محله تهران خدماتی را که گفتم با کمک مددکاران اجتماعی شروع کند ولی نکته کلیدی این است که متخصص باشند. برای نمونه هم می‌توان در مناطق پرخطر این طرح را شروع و ارزیابی کنیم که اجرای این کار چقدر به کاهش و جلوگیری از قربانی‌شدن کودکان کمک می‌کند. ولی شهرداری یک بازیگر است و دولت بخش مهم دیگری از ماجرا است قانون این وظیفه را بر عهده وزارت رفاه و تامین اجتماعی گذاشته است. اگر قانون هدفمندی رایانه‌ها درست و هدفمند اجرا می‌شد و به سمت قشر آسیب‌پذیر می‌رفت شاید تا حدی می‌شد فشارهای اقتصادی را از دوش خانواده‌ها کم کرد. من معتقدم در بحث کودک در وضعیت هشدار هستیم. اگر من در حوزه کودک بخواهم جمع‌بندی کنم مشکل خلأ بزرگ قانونی در وجود نهاد بزرگ و حمایتگری از کودکان است که قدرت حاکمیت را داشته باشد همچنین در ساختار و چگونگی خدمات‌رسانی هم باید از نظر متخصصان علوم اجتماعی کمک گرفته شود.

ابراهیمی: در بحث راهکارها چند نکته را که فکر می‌کنم باید روی آن توجه شود این است که بحث مشاوره را حین ارتکاب جرم خیلی پررنگ کنیم. بحث بین‌رشته‌ای دیدن این قضیه نیز تاثیر دارد و همه باید با تخصص‌های خودشان وارد شوند در فرآیند قضایی هم مهم است چون اگر چندبعدی به موضوع نگاه کنیم به‌نظرم راحت‌تر می‌توانیم موضوع را حل کنیم، یکی از راهکارها این است که ما هزینه‌ها را کاهش دهیم. فردی که می‌خواهد طلاق بگیرد به هرحال محاسبه سود و زیان می‌کند مقداری هزینه‌ها را برایش کم کنیم، آن خانمی که سرپناهی ندارد را در نظر بگیریم و آن آقایی که فکر خلأ عاطفی بعد از نبودن همسر و بچه‌هایش است، بتواند از طریق مراکز مشاوره موضوع را کنترل کند چون آن آدم ممکن است حتما آدم بدی نباشد و چون همسر و فرزندانش رفته‌اند باید تحت حمایت باشد. من معتقدم که باید هزینه را کم کنیم تا جرایم را کاهش دهیم و فرد بتواند در مرحله‌ای که هنوز اتفاقی نیفتاده است به مراکز مربوطه مراجعه کند چون خیلی از این افراد به ۱۱۰ زنگ می‌زنند و ۱۱۰ می‌گوید که خانم تحمل کن. این یعنی آنقدر خشونت در خانواده خصوصی تلقی می‌شود که ۱۱۰ هم می‌گوید دربرابر آن سکوت کنید، برخی خط‌قرمزها را که به نظر من خط‌قرمز نیست واقعا در موردش صحبت کنیم مثلا بحث تجاوزاتی که اتفاق می‌افتد. همچنین مباحث اقتصادی را در نظر بگیریم چون خیلی از فشارها فشارهای اقتصادی هستند، و در آخر هم اینکه آموزش مهارت‌های زندگی به افراد بدهیم که در واقع بخشی از این اتفاق در شهرداری می‌افتد و شهرداری دوره‌هایی تحت عنوان همیار خانواده داشت که چون در ارتباط بودم، می‌دانم خیلی موفق‌تر از دوره‌های دیگر مانند عفاف و حجاب بود و در واقع ما نخواهیم ازدواج به هر قیمتی در جامعه اتفاق بیفتد، چون یکی از استادان حقوق می‌گفت زمانی که شهرداری طرح آسان‌سازی ازدواج را داده بود، آماری هم در این زمینه گرفته بودند که همان خانواده‌ها به خاطر بچه‌دارشدن و امکانات اقتصادی که دولت به این خاطر در نظر گرفته بود بلافاصله ازدواج می‌کردند و بعد هم فوری طلاق می‌گرفتند و این اتفاقات از آن خانواده‌ها درمی‌آمد. طلاق را هم تابو نکنیم یعنی خیلی جاها تفاوت نگاه روانشناسان و جامعه‌شناسان در این است که روانشناسی می‌گوید آرام باشید طلاق نگیرید و زندگی کنید اما جامعه‌شناس می‌گوید نه لطفا طلاق بگیرید چون اینطور مسیر بدتری طی می‌شود.

در جاهایی که خطر بیشتر است اول بررسی کنیم کجاست که سیم نازک شده و امکان سوختن وجود دارد و به این ترتیب نهادهایی را ایجاد کنیم تا حمایت‌ها خیلی سریع شروع شود و مددکاران دست به‌کار شوند چون به صورت کلی به همه جامعه نمی‌توانیم خدمات ارایه کنیم حداقل در مناطق پرخطر چنین کاری را انجام دهیم

معیدفر: حداقل ماجرا این است که هر کاری که می‌کنیم پیامدهایش را هم ببینیم. باید توجه داشته باشیم که کارشناسانه به ارزش‌هایی که می‌خواهیم برجسته کنیم نگاه کنیم و در موارد اینچنینی باید مساله را از حد دولتی خارج کنیم، درست است که بدنه دولت را مدیران تشکیل می‌دهند اما درون آن همین افرادی عادی جامعه هستند بنابراین وقتی که جامعه بیمار باشد بدنه دولت هم بیمار می‌شود چگونه می‌توان یک مساله‌ای را با بدنه بیمار حل کرد؟ اول باید اصل بیماری را در جامعه حل کنیم و وقتی جامعه سالم شود دولت هم می‌تواند برخورد مناسبی داشته باشد. ما الان بارها و بارها نهادهای دولتی تاسیس کردیم و کارهایی کرده‌ایم با این تصور که وقتی نهاد ایجاد شود مساله حل شده و این در حالی است که همان نهاد به باری بر دوش دولت تبدیل شده است، به نظر من باید یک مقدار دنبال این باشیم که جامعه را زنده کنیم تا جامعه، جامعه شود. امروز ایران اسمش ایران است ولی تشکیل شده است از ۲۰ تا ۳۰ میلیون خانه که در آن چند نفر زندگی می‌کنند و چند ۱۰ میلیون اتومبیل، خارج از این موارد چیز دیگری وجود ندارد بنابراین جامعه باید دوباره احیا شود و بیگانگی عظیمی که افراد در شهرها نسبت به هم دارند از بین برود. هر چه دولت را تقویت کنیم و با کارهایمان نقشی بر عهده آن بگذاریم جامعه کوچک و کوچک و کوچک‌تر می‌شود. بنابراین باید تغییر رویکرد داد و در مواجهه با مشکلات جامعه را به حساسیت واداریم، بحث بعد هم موضوع فوریت‌هاست تا بتوان موضوع فعلی را کنترل کنیم و من هم با موضوعی که شما درمورد ضرورت قانونگذاری و حمایت اشاره کردید، موافق هستم چون زنگ خطرها خیلی جدی است و تبعیض مثبت قایل شویم و در جاهایی که خطر بیشتر است اول بررسی کنیم کجاست که سیم نازک شده و امکان سوختن وجود دارد و به این ترتیب نهادهایی را ایجاد کنیم تا حمایت‌ها خیلی سریع شروع شود و مددکاران دست به‌کار شوند چون به صورت کلی به همه جامعه نمی‌توانیم خدمات ارایه کنیم حداقل در مناطق پرخطر چنین کاری را انجام دهیم، مثلا بحث آقای صفرچی در پاکدشت همین بود که بدترین معلم را به آنجا می‌فرستادند، بدترین پلیس‌ها را به آنجا می‌فرستادند و هر که را که می‌خواستند تبعید کنند به پاکدشت می‌فرستادند، پاکدشتی که بیشترین مشکل اجتماعی را داشتند، الان متاسفانه رویکرد این است و جایی که پرخطر است آن مکان‌ها باید امکانات بیشتری را ارایه دهیم.

دانشور: در مورد آن پرونده خاص شاید اگر در دادگاهی که طلاق در حال وقوع است اگر مددکار اجتماعی حضور داشته باشد که سیستم ارجاع را خوب بلد باشد و بداند هر کس به کجا باید مراجعه کند مثلا نزد مشاور، روانشناس و... مفید است. اگر در زمان طلاق مددکار حضور داشت شاید با مشاوره‌ای که هم به پدر و هم به مادر داده می‌شد از اینکه پدر به جایی برسد که فرزندان خودش را به آن شکل بکشد جلوگیری شود. بنابراین یک جاهایی به آن قدرت نیاز پیدا می‌شود و متاسفانه باید برای آسیب‌شناسی ان‌جی‌اوها داشته باشیم، به جرات می‌توانم بگویم تعداد ان‌جی‌اوهایی که در حوزه آسیب‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند کمتر از ۱۰ تا است و این درحالی است که ان‌جی‌اوهایی که در حوزه‌های دیگر فعالیت می‌کنند به بیش از صدمورد می‌رسد، بنابراین اینجا جایی است که خلأ وجود دارد در حالی که باید تقویت همه‌جانبه داشته باشد.

ادامه از صفحه ۷

خلأهای قانونی داریم

ایران عضو کنوانسیون حقوق کودک نیز هست عضویت در این کنوانسیون تا چه حد می‌تواند در وقوع این قتل‌ها و کودک‌آزاری‌ها جنبه پیشگیرانه داشته باشد؟

قطعا پذیرش چنین کنوانسیون‌هایی مسوولیت خواهد داشت چراکه پذیرش و عضویت در این کنوانسیون‌ها و تایید از سوی مجلس و مقام‌های رسمی قوانین موجود در این کنوانسیون‌ها را تبدیل به قوانین لازم‌الاجرا می‌کند یعنی مانند قوانینی که در مجلس به تصویب می‌رسد این قوانین هم در کشور باید اجرا شود. البته باید متذکر شوم مواد قانونی خوبی در کنوانسیون حقوق کودک وجود دارد که اگر اجرا شود بسیاری از مشکلات در این زمینه حل می‌شود. باید تاکید کنم ما نیاز داریم قوانین حمایتی برای کودکانمان تصویب کنیم اگر این اتفاق نیفتد در واقع با سهل‌انگاری در این خصوص جامعه را به خطر انداخته‌ایم کودک آسیب‌دیده امروز آسیب‌رسان فردا خواهد بود. خلأقانونی از دو سو به جامعه ضربه می‌زند اول اینکه والدین را در مورد ارتکاب جرم نسبت به فرزندان خود جسور کرده و آنها را محق در اعمال فشار بر فرزندان می‌داند دوم اینکه کودک‌های آسیب‌دیده را تبدیل به والدینی آسیب‌رسان و حتی مجرمان در زمینه‌های دیگر می‌کنند. آموزش کنوانسیون و قوانین حمایتی را باید از مهدهای کودک و مدارس شروع و بچه‌ها را با حقوق خودشان آشنا کنیم.

اگر مجازات‌ها تشدید شود آیا از وقوع چنین وقایعی جلوگیری می‌شود؟

ما باید بر اساس قوانین موجود صحبت کنیم ایرادی که من وارد می‌کنم این است که نه‌تنها قانون بازدارنده نیست بلکه همین قانون نیز کامل اجرا نمی‌شود. والدینی که مرتکب قتل می‌شوند و به حبس محکوم می‌شوند بعد از مدتی با چند درجه عفو یا راه‌های قانونی دیگر دوباره به جامعه برمی‌گردند و این‌بار خطرناک‌تر هستند چرا که وقتی فردی به راحتی می‌تواند فرزندان دوقلوی خود را زنده‌به‌گور کند مسلما می‌تواند به افراد دیگر جامعه که هیچ رابطه‌ای هم با آنها نداشته بیشتر آسیب بزند و جنایات فجیع‌تری را مرتکب شود. اینگونه افراد باید تحت درمان‌های روانی قرار گیرند. زندانیانی که با جرایمی بسیار نرم‌تر در زندان هستند وقتی از زندان خارج می‌شوند آنقدر به لحاظ روحی آشفته هستند که نیاز به روان‌درمانی دارند چه برسد به فرد زندانی که عملش چون ایجاد زخمی عمیق با خنجری تیز روی بدن جامعه است. حضور پلیس علمی، روانشناس و جرم‌شناس برای شناسایی حفره‌های خالی موجود در فرد و جامعه که باعث ایجاد چنین رخدادهایی می‌شود واقعا ضروری است.

مواجهه با بحران

طبق قانون اساسی، قوه‌قضاییه مسوول پیشگیری از جرایم است که این کار به نیروی انتظامی تفویض شده است حال آنکه مسایلی که درون خانواده اتفاق می‌افتد اصلا در حوزه عملکرد نیروی انتظامی نیست. نیروی انتظامی و قانون تا جلو در خانه می‌آید اما در مورد اتفاقاتی که درون خانه می‌افتد مشکلات قانونی وجود دارد و قانونگذار ترجیح می‌دهد مداخله نکند چون پدر در جامعه مردسالار در خانه حضور دارد و قرار است امور را رتق‌وفتق کند.

شخصا موردی را دیدم که مردی همسرش را با چاقو زده و از خانه بیرون انداخته و بچه‌ها را در خانه نگه داشته بود و اجازه نمی‌داد بیرون بروند، پلیس به محل آمده اما نتوانسته بود وارد شود به‌دلیل اینکه حکم قضایی نداشت. بنابراین در حوزه حقوقی مساله کلی داریم در حوزه خدمات اجتماعی و خدمات غیرقضایی که می‌تواند کمک کند نیز همین‌طور است. به‌عنوان مثال در مواردی که اسمش را اورژانس اجتماعی می‌گذاریم، همسایه‌ها زنگ می‌زنند و اورژانس اجتماعی می‌آید اما بعدش چه اتفاقی می‌افتد؟ نهایت مداخله‌ای که داریم این است که در لحظه خیلی حساس که بحران به اوج می‌رسد، درگیری را آرام می‌کنیم ولی بعد از آن هیچ پیگیری‌ای وجود ندارد و آدم‌ها را رها می‌کنیم.

این درحالی است که ما خانه امن نداریم چه برای زنانی که قربانی می‌شوند و چه برای کودکان. به‌هرحال وقتی خشونتی طولانی‌مدت اتفاق افتاده است فرد باید برای مدتی جدا شود و آموزش داده و زوج‌تراپی انجام و فرآیندی طی شود که شرایط به وضعیت عادی دربیاید. در این میان خیلی به نظر نمی‌آید دولت جدید دنبال ساختار حمایتی باشد.

*جامعه‌شناس و مدرس دانشگاه

جدول ۱۹۵۷ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱ - پاک و پاکیزه - باد ملایم - برخی در خواب می‌کشند ۲ - پاییز عرب‌ها - واحد اندازه‌گیری انرژی در فیزیک اتمی ۳ - چهارپا - اسب سرکش - دورویی ۴ - باغ گل و میوه - سازمان فضانوردی آمریکا - ظرف طبخ آبگوشت ۵ - شهرمدفن تختی - پارچه ابریشمی رنگین - محصل مراکز علوم دینی - نفس خسته ۶ - رود مرزی - زیارت‌کننده - شاخه باریک درخت ۷ - بدون همسر بودن - گوشه‌ای در دستگاه ماهور - روزانه ۸ - از باشگاه‌های معتبر فوتبال اسپانیا ۹ - تباشیر فرنگی - چسب خمیری شکل - جود و بخشش ۱۰ - پشتیبان - حاجت - میوه تابستانی ۱۱ - قصد و اراده - خرامنده - صمغی بسیار تلخ - شگرد ۱۲ - شماره - اما - جامه نازک ۱۳ - نهفتگی - پوشاننده - پایتخت نروژ ۱۴ - از دستاوردهای پزشکی در مبارزه با رشد سرطان‌ها - بی‌اعتنا به قید و بندها ۱۵ - فراوان - صادق و صمیمی - دلداده مجنون

عمودی:

۱ - شاخه‌ای از مهندسی برق - از آثار سعید نفیسی، نویسنده معاصر ۲ - مذکر - شهری در استان کرمان - شهری بوده در مصر باستان ۳ - زندگی - از درجات نظامی - تیرانداز ۴ - عددی دورقمی - با نشاط - بله آلمانی ۵ - شهر اصلی گردشگری ایتالیا - دیگ دهان گشاد - درخت کنار ۶ - آتش - نوعی ماسه ریز - از ادوات ورزش بدنسازی ۷ - نت پنجم - کیسه نایلونی دسته دار - پایتخت نیجر ۸ - یگانه - شکستنی ورزشی - از مواد افیونی ۹ - میانگین - از دل‌انگیزترین مناطق تهران در دامنه‌جنوبی توچال - عود ۱۰ - پیام‌آوری - تخم ماهی - قبیله ۱۱ - از نجاسات در اسلام - چاپار - از یاران امام‌علی(ع) ۱۲ - رودی در فرانسه - روستای کوچک دورافتاده - گرد براق نقاشی به رنگ‌های مختلف ۱۳ - نوعی زردآلو - در هر زمان - از فروع دین اسلام ۱۴ - کاخی در فرانسه -... فوق ایدیهم - نیمه دیوانه ۱۵ - تحسین‌کننده - مواد نگهدارنده برای سالم ماندن جسد.

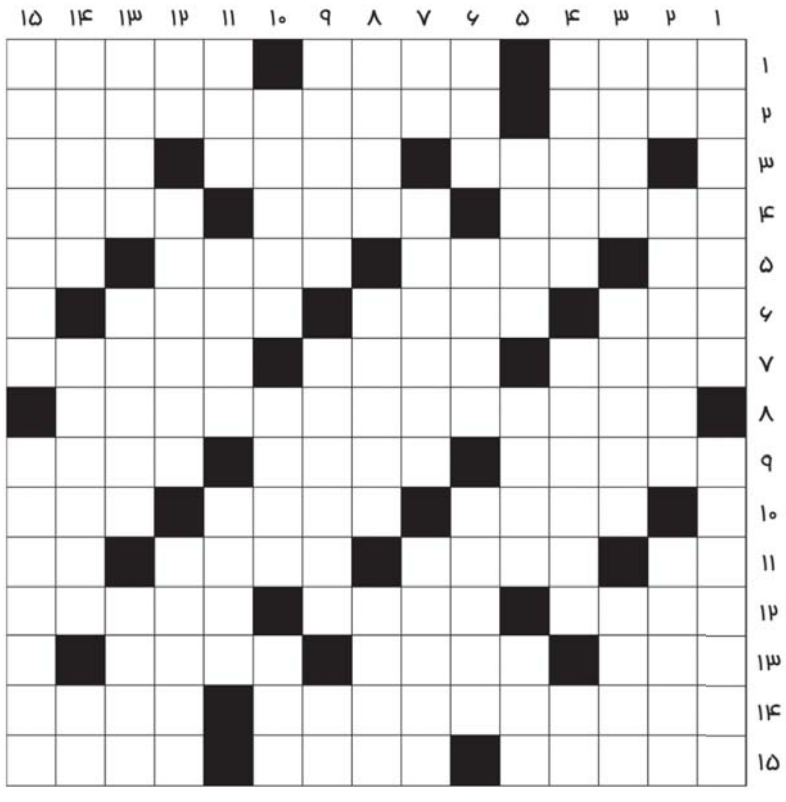

حل سودوکو سخت

۸	۶	۷	۱	۳	۴	۲	۹	۵
۹	۱	۴	۵	۲	۶	۸	۳	۷
۵	۳	۲	۸	۷	۹	۱	۴	۶
۶	۷	۸	۴	۵	۱	۹	۲	۳
۲	۴	۹	۳	۸	۷	۶	۵	۱
۳	۵	۱	۶	۹	۲	۷	۸	۴
۷	۸	۶	۲	۴	۵	۳	۱	۹
۴	۹	۳	۷	۱	۸	۵	۶	۲
۱	۲	۵	۹	۶	۳	۴	۷	۸

حل سودوکو ساده ۹۵۳

۸	۱	۳	۵	۹	۷	۴	۲	۶
۷	۴	۹	۲	۳	۶	۸	۵	۱
۲	۶	۵	۱	۴	۸	۹	۷	۳
۱	۳	۸	۴	۶	۲	۷	۹	۵
۵	۷	۲	۹	۸	۳	۱	۶	۴
۴	۹	۶	۷	۵	۱	۳	۸	۲
۳	۸	۱	۶	۲	۹	۵	۴	۷
۶	۵	۷	۸	۱	۴	۲	۳	۹
۹	۲	۴	۳	۷	۵	۶	۱	۸

جدول ۱۹۵۶

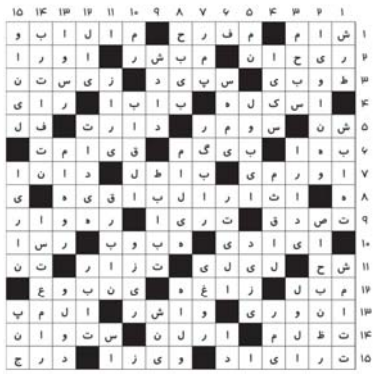

سودوکو سخت ۹۵۴

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۸		۶			۷			
۲			۴					
			۹			۸	۷	
	۸			۳		۴	۲	
۷								۳
	۳	۴		۵			۹	
	۵	۷			۶			
					۱			۶
			۸			۷		۴

سودوکو ساده ۹۵۴

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۱					۶		
۹			۷	۶	۸		۵	
۷		۳			۱	۴	۸	۹
۶	۳			۷				۵
۱	۲						۳	۴
۵				۲			۶	۷
۳	۹	۸	۴			۵		۶
	۷		۵	۸	۲			۳
		۱					۴	